

تبیین نقش رهیافت‌های توزیع فضایی نیروهای وظیفه عمومی بر ارتقای انسجام

ملی مبتنی بر رویکرد آمایش سرزمین

سیدمحمد حسینی^۱، *سیدمجتبی موسوی نقابی^۲، مرتضی انوشه^۳، سیدعلی حسینی^۴

^۱دکتری جغرافیای سیاسی و ژئوپلتیک، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران

^۲دانشجوی دکتری مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

^۳دانشجوی دکتری مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران.

^۴دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۶

چکیده

با توجه به موقعیت ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیکی ایران و تنوع قومی و مذهبی در کشور، ضرورت ارتقای انسجام ملی مسجل می‌شود. هدف آمایش سرزمین نیز توزیع بهینه نیروی انسانی و فعالیت‌ها در فضای جغرافیایی سرزمین به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد. از این رو، در این پژوهش آمایش دفاعی نیروهای وظیفه عمومی در سطح کشور، با توجه به دو رویکرد توزیع در پهنه سرزمین یا کمترین فاصله جغرافیایی و تأثیر این دو رویکرد بر ارتقای انسجام ملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش از روش تحقیق آمیخته اکتشافی استفاده شده است؛ در گام اول، با انجام مصاحبه با خبرگان، کارکردهای سیاسی-امنیتی و اجتماعی-فرهنگی دوره نظام وظیفه و تأثیر آنها بر انسجام ملی، شناسایی شدند، و در گام دوم، با استفاده از روش تحقیق کمی، تأثیر دو رویکرد توزیع سربازان (توزیع در پهنه سرزمین و کمترین فاصله جغرافیایی) بر انسجام ملی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج تحقیق، اگر چه رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی از جنبه اقتصادی و اجتماعی منافع کوتاه مدتی به همراه دارد، اما از جنبه سیاسی، تأثیر منفی بر انسجام ملی می‌گذارد و نسبت به رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین نمی‌تواند، منافع بلندمدت ملی را در راستای ارتقای انسجام ملی تأمین نماید. از این رو، پیشنهاد می‌شود در توزیع سربازان تلفیقی از هر دو رویکرد توزیع سربازان مد نظر سیاست‌گذاران قرار گیرد، به‌نحوی که با توجه به شرایط مشمولین رویکرد مناسب انتخاب شود.

واژه‌های کلیدی: آمایش سرزمین، آمایش نظامی، انسجام ملی، نظام وظیفه عمومی، توزیع فضایی.

مقدمه

فرهنگی مختلف و متشکل از خرده‌فرهنگ‌های قومی، مذهبی و دینی گوناگون است. کشور ایران، در مقاطع مختلف تاریخی با مسائل و مشکلاتی از سنخ تضعیف انسجام ملی مواجه بوده و حتی در برهه‌هایی بخش‌هایی از سرزمین پهناور ایران منتزع شده است. در حال حاضر نیز، به دلایل مختلفی همچون تشدید رقابت‌های قومی، افزایش تهدیدهای خارجی و تغییر در لایه‌های زیرین جامعه، موضوع حفظ و تقویت وحدت و انسجام ملی از جمله مسائل و مشکلات مبتلا به جامعه ایران است (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

انسجام ملی عبارت است از اتحاد آحاد مردم یک کشور اعم از اشخاص، جناح‌ها، احزاب، گروه‌های روشنفکری، سیاستمداران و مسئولان که از هرگونه کشمکش و ایجاد تفرقه داخلی و نفاق به دور بوده و مانع نفوذ دشمن به داخل مرزهای خویش می‌گردند. مهم‌ترین منفعت انسجام ملی، برقراری امنیت ملی است (محرابی، ۱۳۸۷: ۲۵). ایران از جمله کشورهایی است که از پیشینه تاریخی و تمدنی عظیم برخوردار است. همچنین جامعه ایران، جامعه‌ای با لایه‌های

است. از این رو، انسجام ملی را می‌توان از طریق افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی افراد در شبکه‌های اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه تقویت نمود (نیازی، ۱۳۹۰: ۳۱). مهم‌ترین منفعت انسجام ملی، ارتقای امنیت ملی است که ارتباطی عمیق با چگونگی پیوند مردم با یکدیگر از یک سو و مردم با حاکمیت از سوی دیگر دارد (محرابی، ۱۳۸۷: ۳۰).

افزایش ضریب وحدت و انسجام ملی باعث کاهش تهدیدات داخلی و خارجی می‌شود و زمینه‌های مناسبی برای توسعه و پیشرفت کشور فراهم می‌سازد. به همین دلیل، بسیاری از کشورها با این مسئله مواجه هستند که با وجود اختلافات وسیع و عمیق قومی، مذهبی و فرهنگی که تضعیف‌کننده همگرایی ملی است، چگونه می‌توان از بروز بحران‌های تهدیدکننده انسجام ملی جلوگیری و یا در صورت بروز، آن را مدیریت کرد (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

صاحب‌نظران در خصوص مؤلفه‌ها و عناصر وحدت و انسجام ملی دیدگاه‌های متنوع و گاهاً متفاوتی دارند. اتحاد ملی ممکن است بر پایه محورهای مختلفی در یک جامعه شکل بگیرد. برخی از محققان ذهنیت و سرگذشت مشترک تاریخی، میراث مشترک فرهنگی، هدف مشترک و دین مشترک را در زمره مؤلفه‌های انسجام ملی می‌دانند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۶) و برخی دیگر نیز فرهنگ، پرچم، محدوده جغرافیایی و زبان را به عنوان عناصر انسجام و وحدت ملی بر می‌شمارند (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۲۳). قاسمی و ابراهیم‌آبادی نیز از عناصر شکل‌دهنده انسجام و وحدت ملی به سرزمین مشترک، دولت، دین مشترک، زبان رسمی مشترک، آداب و رسوم و تاریخ مشترک اشاره می‌کنند (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). در پژوهش دیگری، ۱۲ عامل مؤثر بر انسجام ملی شناسایی شده است. بنا بر نتایج این پژوهش در یک جامعه هر چه توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی، توسعه آموزشی، توسعه سیاسی، هویت ملی، محبوبیت دولت، مشارکت سیاسی، مردم‌سالاری (دموکراسی)، ملی‌گرایی، برابر شهروندان، رضایت سیاسی نخبگان و زبان رسمی

با توجه به شرایط ویژه جغرافیای طبیعی و انسانی کشور ایران، جهت دستیابی به یک‌پارچگی و انسجام ملی، همواره باید دقت نظر کامل در ارتباط با سیاست‌ها و برنامه‌ها صورت پذیرد. از این رو، نوع سازمان‌دهی نیروهای مسلح در سطح کشور، به ویژه سربازان وظیفه، در زمینه جذب نیرو و انعطاف‌پذیری در توزیع، انتقال و حشر نیروهای وظیفه در سراسر کشور، باید به نحوی باشد که موجبات ادغام اجتماعی، افزایش آگاهی ملی، ادراک اجتماعی و الفت ملی میان سربازان اقصی نقاط کشور را که به خرده فرهنگ‌های حاشیه‌ای و مرکزی تعلق دارند، فراهم آورد. در همین راستا، مهم‌ترین هدف این تحقیق بررسی و واکاوی نحوه پراکندگی و توزیع نیروهای وظیفه در سطح کشور است. چرا که عمده‌تاً دو دیدگاه متفاوت در این ارتباط وجود دارد. دیدگاه اول مبتنی بر رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی و به عبارتی انجام خدمت سربازی در منطقه بومی مشمولان و دیدگاه دوم مبتنی بر رویکرد پخش و توزیع سربازان در تمام پهنه سرزمین است. بدین‌منظور مهم‌ترین پرسش این تحقیق عبارت است از: کدامیک از دو دیدگاه توزیع سربازان با رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی یا رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین به تقویت یک‌پارچگی و انسجام ملی کمک بیشتری می‌کند و در بلندمدت می‌تواند به ایجاد یک هویت ملی کمک نماید؟

مفاهیم، دیدگاهها و مبانی نظری

انسجام ملی: انسجام و وحدت ملی، به معنای هماهنگی و همبستگی میان اجزای تشکیل‌دهنده یک نظام سیاسی و اجتماعی است. انسجام و اجماع ملی به معنای توافق اعضای یک جامعه در خصوص باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک است. اجماع ملی به سه بُعد اجماع فرهنگی، اجماع حقوقی و اجماع سیاسی تفکیک می‌شود (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۵). انسجام ملی ریشه در انسجام اجتماعی در جامعه دارد. انسجام اجتماعی ناظر بر پیوندها و ارتباطات میان اعضای شبکه‌های اجتماعی و مبین کنش‌های معین و مشخصی از کنشگران در درون ساختارهای اجتماعی

در این سیاست گروه اقلیت و گروه اکثریت، هر دو خواهان حفظ جامعه و فرهنگ جدای خود هستند. جامعه موازی حرکت به سوی فرهنگ رادیکال را تسهیل می‌کند؛ لذا اغلب به عنوان مفهوم جنگ سیاسی به کار می‌رود (نوربخش، ۱۳۸۷: ۷۵).

سیاست سوم سیاست یک‌پارچگی است. یک-پارچگی در علوم اجتماعی به معنی باهم بودن اجزا و اعضا در یک کل یا سیستم است. یک‌پارچگی به معنی تلاش برای انتقال زبان و فرهنگ موجود جامعه به اقوام و گروههای اقلیت جامعه به منظور جلوگیری از ایجاد جامعه موازی و ایجاد هم‌خوانی با جامعه موجود است. در این سیاست از فرهنگ غالب جامعه و فرهنگ اکثریت به شدت محافظت می‌گردد، اما از مطرح شدن فرهنگ‌های دیگر نیز استقبال می‌شود. در این چارچوب معمولاً تعامل بین گروههای اقلیت، مسالمت‌آمیز است و در محدوده ترتیبات حقوقی و نهادی که حقوق اقلیت و اکثریت را تضمین می‌کند، صورت می‌پذیرد. بنابراین همزیستی مبتنی بر صیانت و حفظ حقوق اقلیت و نه استحاله فرهنگی در فرهنگ اکثریت است (ابوطالبی، ۱۳۷۸: ۱۸۶).

چند فرهنگی، آخرین سیاست در ارتباط با اقوام و اقلیت‌ها و جوامع ناهمگون جهت دستیابی به انسجام ملی است. «جامعه چند فرهنگی» نشانگر جامعه‌ای است که به صورت ایده‌آل به وسیله تنوع فرهنگی و قومی نشان داده می‌شود. فرهنگ در اینجا به عنوان دنیای زندگی روزمره و یا نظام سازمان دهنده فهمیده می‌شود و تنوع مشروع است. جامعه چند فرهنگی در برابر نظریه‌ها و ایده‌هایی قرار می‌گیرد که جامعه را یک جور و یک شکل (یونیفورمی) می‌بینند؛ لذا تنوع فرهنگی را یک خطر تلقی می‌کنند (Schulte, 2001). درحالی‌که در دیدگاه گروهی دیگر، سیاست چندفرهنگی می‌تواند به تقویت مردم‌سالاری و پلورالیسم اجتماعی کمک نماید.

مدل مناسب به‌منظور ایجاد همبستگی هنجاری، فرهنگی و همبستگی ارتباطی نسبت به فرهنگ و هویت ایرانی یک مدل ترکیبی است؛ مدلی مبتنی بر ارتباطات میان فرهنگی و درون گروهی که ضمن

قوی‌تر باشند، همبستگی و انسجام ملی در آن جامعه بیشتر و نیرومندتر است (هرمزی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۵).

الگوهای تقویت انسجام ملی: الگوهای مختلفی برای ایجاد و تقویت وحدت و انسجام ملی در جوامعی با اقلیت‌ها و قومیت‌های گوناگون، توسط صاحب‌نظران ارائه شده است که می‌توان به مدل‌هایی چون مشابه-سازی، کثرت‌گرایی فرهنگی، حمایت قانونی از گروهها و تشکل‌های اقلیت، انتقال جمعیت، با انقیاد کشیدن گروه‌ها و اقلیت‌های مختلف و در هم‌آمیزی و امتزاج اشاره کرد (جهان‌بین، ۱۳۷۸: ۹۴-۹۷).

در این مقاله به چهار سیاست عمده می‌پردازیم که هر کدام در منطقه‌ای از دنیا و در ساختارهای متفاوت اجتماعی و فرهنگی تجربه شده‌اند. اولین سیاست، سیاست مشابه‌سازی و یا همانندسازی است که یکی از سیاست‌های ارتباطات فرهنگی و قومی، به معنای فرایند پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و گروه‌هایی از جامعه است، به شکلی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۴). مشابه‌سازی در جامعه‌شناسی نشانگر تطابق گروههای مختلف اجتماعی با هم است، به طوری که تفاوت بین شبیه‌سازی فردی و گروهی برای فهم جریان در سطح جامعه، اساسی است (Leibold, 2006: 70-74). در این روش، سعی می‌شود در نظام ارزشی گروه اقلیت، تغییراتی صورت گیرد به‌نحوی که اختلافات فرهنگی و ساختاری کاهش یابد و جامعه‌ای متجانس شکل گیرد (Yinger, 1985: 30) و همه افراد، بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها و حقوق قومی و گروهی تحت عنوان شهروند از طرف دولت، مورد توجه قرار گیرند و همه از حقوق یکسان بهره‌مند گردند (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۵۳). تحقق این سیاست به‌دلیل مقاومت اقلیت و گروه میهمان مسالمت‌آمیز نیست و به روش دموکراتیک انجام نمی‌شود و این نوع همانندسازی یک پروسه طولانی است که چند نسل را در بر می‌گیرد و تحت شرایطی امکان‌پذیر است (نوربخش، ۱۳۸۷: ۷۵).

سیاست دوم سیاست تفکیک و جداسازی و ایجاد جامعه موازی است. «جامعه موازی» نشان‌دهنده چیزی است که با قانون جامعه اکثریت، تناسب ندارد.

کشورهای استعمارگر و حضور فتنه‌انگیز بیگانگان در آشوب‌های قومی و اختلافات مذهبی و... شود (مطلبی، ۱۳۸۷: ۱۶).

الگوی ملت در کشور ایران ترکیبی و نامتوازن است؛ بدین صورت که بخش بزرگی از ملت، در یک یا چند ویژگی و خصیصه مشترک هستند و این ویژگی‌های مشترک شاکله اصلی ملت ایران را تشکیل می‌دهند و بخش کوچک‌تری از ملت نیز به علت دارا بودن یک یا چند ویژگی با بخش اکثریت ملت تجانس ندارند و در جایگاه اقلیت، اجزاء و پاره‌های کوچک‌تر ملت ایران قلمداد می‌شوند (همان). از نظر سطوح توسعه نیز تمام مناطق کشور از سطح توسعه یکسانی برخوردار نبوده و سطح توسعه استان‌ها و مناطق کشور متفاوت هستند (سنگاچیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). به نحوی که، درجه توسعه‌یافتگی از مناطق مرکزی ایران به سمت حاشیه و مرزها کمتر می‌شود، به طوری که اگر بخواهیم سرزمین ایران را به سه منطقه جغرافیایی مرکزی، میانی و حاشیه‌ای و مرزی تقسیم کنیم؛ مناطق حاشیه‌ای و مرزی از کمترین سطوح توسعه و به طبع آن از بالاترین پتانسیل تهدیدات برخوردار هستند (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵). علاوه بر این، ایران از پراکندگی بالای اقلیم آسایش برخوردار است، یعنی اینکه مناطق مختلف از شرایط متفاوت محیطی (آب و هوا، تغییرات دمایی در طول سال، نزولات جوی، آلودگی محیطی و غیره) برخوردار هستند. به نحوی که بعضی از مناطق از شرایط مناسب سکونت و زندگی برخوردار هستند، در مقابل پهنه‌های زیادی از سرزمین، از اقلیم آسایش مناسبی برخوردار نیستند (تقوایی و وارثی، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

همچنین با توجه به الگوی نظام حکومتی در ایران که تک‌ساخت و بسیط است، یعنی اینکه کلیه افرادی که زیر لوای دولت یک‌پارچه و بسیط قرار گرفته‌اند از یک قدرت سیاسی مرکزی تبعیت می‌کنند و یک قانون اساسی در سراسر قلمرو این سرزمین حکمرانی می‌کند، یک نهاد قانون‌گذاری قوانین عادی و عمومی کشور را وضع و تصویب می‌کند (حافظ‌نیا و وردی‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۷). از این رو، کلیه احاد جامعه از حکومت

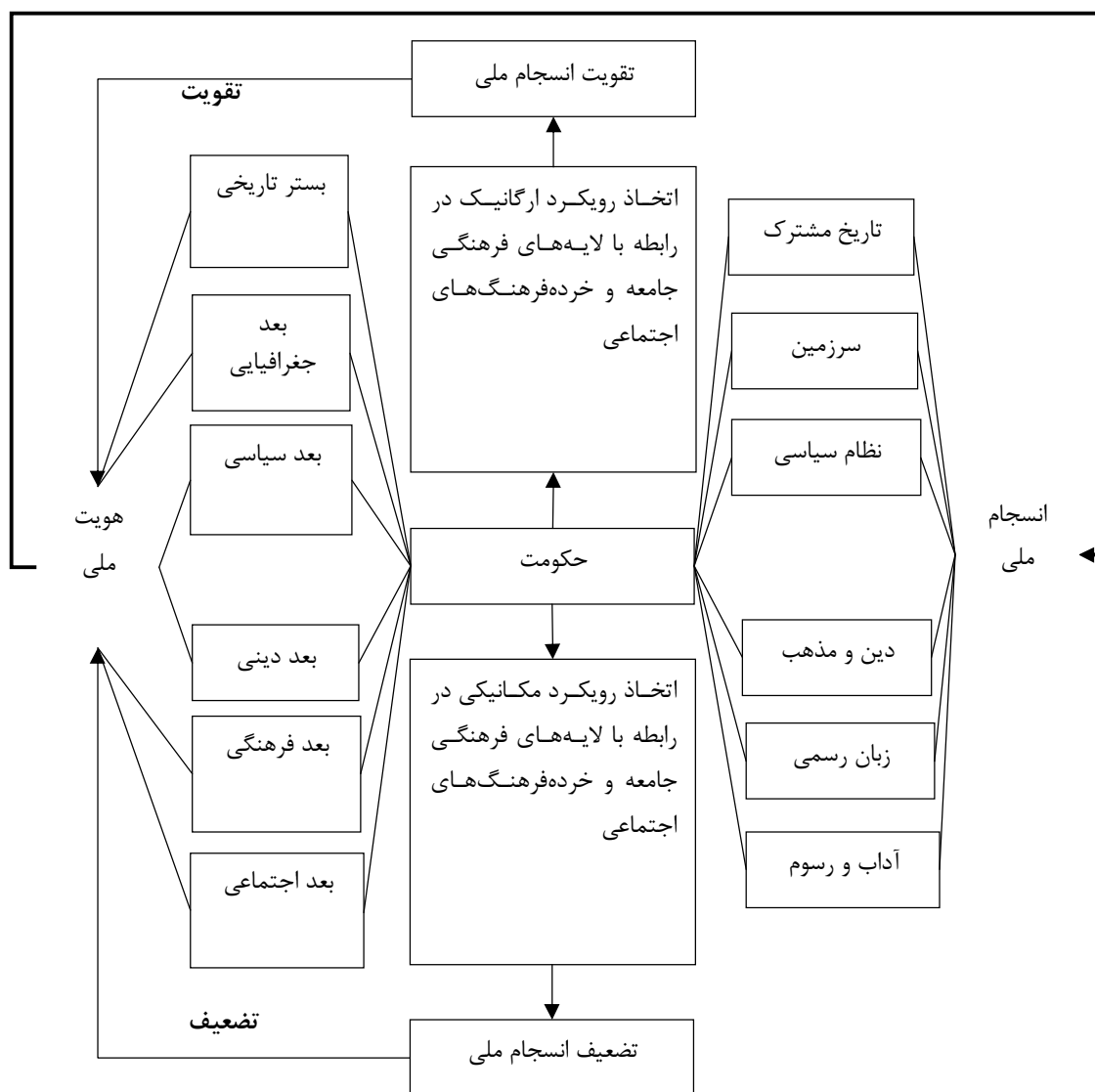
تقویت همبستگی ملی می‌تواند موجب پویایی فرهنگی و کاهش کلیشه‌سازی، نگاه خوارانگارانه به قومیت‌ها و ترس و عدم اطمینان گردد که این رویکرد و سیاست، مبنای نظری مقاله حاضر است. از طرفی برقراری عدالت در جامعه، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در طول تاریخ بوده است. دو عامل اخلاق و عدالت یکی در عرصه خودسازی و دیگری در تأمین حقوق فردی و اجتماعی، می‌تواند بستر ساز اتحاد و انسجام ملی یک جامعه باشد (طاهری وحدتی، ۱۳۸۶: ۶۳). جوهره عدالت در جهان کنونی برابری است. برابری به مفهوم تساوی همه انسان‌ها جدای از ملیت، جنس، نژاد و مذهب در استفاده از فرصت‌های مادی و معنوی موجود در جامعه است. بنیاد برابری بر این اصل نهاده شده که: «انسان‌ها به حسب گوهر و ذات برابرند ... و از این رو، دو گونه یا چند گونه آفریده نشده‌اند» (موحد، ۱۳۸۱: ۲۱۰). اندیشه برابری آنگاه به طور جد مطرح گردید که انسان صاحب حق شناخته شد. اگر محق بودن برخاسته از ذات انسان و لازم و ملزوم انسانیت اوست، پس ناهمسانی‌های فیزیکی چون نژاد، زبان و دین نمی‌تواند در حقوق انسانی وی مؤثر افتد (ژاکس، ۱۳۷۷: ۴۷) و از همین رو است که تبعیض به معنای سلب حق اعضای یک گروه برای استفاده از فرصت‌هایی که در برابر دیگران گشوده است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۶۳).

ضرورت تقویت و ارتقای یک‌پارچگی و انسجامی

ملی در ایران: اجماع و انسجام ملی در جوامع چند فرهنگی با چالش‌هایی مواجه است. جامعه ایران نیز به دلیل زندگی گروه‌های صاحب افتراق از نظر زبانی، مذهبی و فرهنگی از چنین آسیبی در امان نیست (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲). هرچند تنوع قومی و فرهنگی برای کشوری مانند ایران می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای توسعه کشور فراهم کند، در عین حال می‌تواند یکی از بسترهای مهم نامنی و تهدیدات امنیتی به شمار رود؛ به ویژه اینکه جغرافیای سیاسی قومیت‌های ایرانی مانند مرزن‌نشینی اکثر اقلیت‌های نژادی و مذهبی، و شکاف‌های فرهنگی میان آن‌ها می‌تواند سبب طمع‌ورزی و تحریک

توجه کافی به این مسئله، امکان فعال شدن نیروهای واگرا و گسلنده را فراهم می‌آورد، لذا لازم است تدابیری در سطح ملی به کار گرفته شود تا عوامل واگرایی تضعیف و عوامل همگرایی و وحدت‌بخش تقویت شوند (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

مرکزی انتظار دارند که در کلیه رفتارهای حکومت مرکزی، از جمله نحوه توزیع سربازان، عدالت جغرافیایی و اجتماعی رعایت شود. همچنین ساختار ترکیبی ملت و الگوی فضایی آن نیز در ایران از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده و در صورت عدم



شکل ۱: رابطه انسجام ملی و هویت ملی

جوامع و تقویت انسجام ملی می‌شود. هویت ملی را به معنای عبور از هویت‌های سنتی همچون مذهب، قوم و قبیله به هویت‌های فراگیرتر می‌دانند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۹). بر این اساس، هویت ملی هویتی است که افراد به جای اینکه خود را بر اساس تعلقات قومی - قبیله‌ای بشناسند، بر مبنای تعلق به

هویت ملی: یکی از اساسی‌ترین عناصر و پیش شرط‌های ضروری دستیابی به وحدت و انسجام ملی، هویت ملی است. هویت ملی، نوعی احساس تعلق و تعهد اعضای یک جامعه به رموز و نمادهای فرهنگی شامل هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ مشترک است که موجب تمایز آن جامعه از دیگر

آنها بر انسجام ملی شناسایی شد. در گام دوم با استفاده از روش تحقیق کمی مبتنی بر تکنیک دلفی کلاسیک، تأثیرگذاری دو رویکرد توزیع سربازان در پهنه سرزمین و رویکرد توزیع سربازان بر اساس کمترین فاصله جغرافیایی بر ارتقای انسجام ملی مورد آزمون قرار گرفت. در این پژوهش از مصاحبه و مطالعه کتابخانه در مرحله کیفی و از پرسشنامه در مرحله کمی به عنوان ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

روش دلفی فرآیندی دارای ساختار، برای پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری در طی فرایندهای پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت، اجماع گروهی است (Kennedy, 2004: 504-511). درحالی‌که اکثر پیمایش‌ها سعی دارند به سؤال «چه هست؟» پاسخ دهند دلفی به سؤال «چه می‌تواند؟ / چه باید باشد؟» پاسخ می‌دهد (Powell, 2003: 376-382). از این رو، سؤال اصلی این تحقیق این است که «به منظور ارتقای یک‌پارچگی و انسجام ملی، شیوه پراکنش و توزیع جغرافیایی نیروهای نظام وظیفه چگونه باید باشد».

روش دلفی به سه دسته اصلی: کلاسیک، سیاستی و تصمیمی تقسیم‌بندی می‌شود: دلفی کلاسیک دارای مشخصات: گمنامی متخصصین (جهت جلوگیری از تأثیر افراد بر روی یکدیگر)، بازخورد کنترل شده، تحلیل کمی و تمرکز بر اجماع است (Chu, 2008)؛ دلفی سیاستی ابزار تسهیل‌سازی بوده و داده‌های آن کلامی است، متخصص بودن شرکت‌کنندگان لازم نیست و رسیدن به اجماع ضرورتی ندارد. هدف نهایی در این حالت انتخاب مناسب‌ترین سیاست است (Keeney, 2010). در این تحقیق از ترکیبی از روش‌های دلفی کلاسیک و سیاستی استفاده شده است، به نحوی که در مرحله اول با انجام مصاحبه با خبرگان، نظرات کارشناسانه آنها در مورد تأثیرات دو رویکرد توزیع سربازان (رویکرد کمترین فاصله و رویکرد پراکنندگی در پهنه سرزمین) بر انسجام ملی دریافت شد. در گام دوم تحقیق بر اساس نقطه‌نظرات خبرگان، پرسشنامه‌ای

ملتی خاص با جغرافیایی مشخص و نظام حکومتی معین شناسایی می‌کنند. هویت ملی باید آن‌چنان فراگیر باشد که تعارضی بین هویت اولیه (فردی - قومی) و هویت فراگیر (ملی) ایجاد نکند. بر این اساس، می‌توان وجود ملت خاص، جغرافیا و نظام حکومتی معین را ویژگی اصلی هویت ملی دانست (جوکار، ۱۳۸۶). ارتباط بین انسجام ملی و هویت ملی در شکل ۱ به تصویر کشیده شده است (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

ارنست رنان^۱ در تعریف ملت بر عوامل ذهنی تأکید می‌کند و می‌گوید: ملت یعنی یک روح، اصل روحی و معنوی ... که در گذشته و در اکنون وجود دارد، که مستلزم تملک مشترک میراث گذشته و دیگری پذیرش کنونی آن است. تمایل به زندگی مشترک، اراده ادامه بهره‌وری از میراثی که به‌طور مشاع به مردم رسیده است. ملت، یعنی یک همبستگی بزرگ، بر اساس گذشته استوار که در زمان حال نیز محسوس است (Renan, 1991:41). امروزه مفهوم ملت و شهروند و حتی طبقه اجتماعی، که ریشه در امر اقتصادی دارد، اولویت یافته و در تحقیقات جامعه‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی تعلقات اجتماعی مهم‌تر از تعلقات قومی است (بیدل و محمودزاده، ۱۳۹۱: ۳۳). منظور از تعلق آن است که در میان گروههای انسانی، هر فردی از لحاظ ذهنی خود را متعلق به آن‌ها می‌داند و از طریق آن‌ها می‌توان جایگاه او را در کل انسانیت مشخص کرد (برتون، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۴).

روش تحقیق

هدف این پژوهش کاربردی است و با توجه به ماهیت ناشناخته موضوع تحقیق، در این پژوهش از روش تحقیق آمیخته اکتشافی استفاده شده است (Hesse-Biber, 2010: 187). در گام اول با استفاده از تحقیق کیفی مبتنی بر تکنیک دلفی سیاستی و بر اساس نتایج مصاحبه با خبرگان، کارکردهای سیاسی - امنیتی، اجتماعی - فرهنگی دوره نظام وظیفه و تأثیر

1. Ernest Renan

تنظیم و بین گروه بزرگ‌تری از خبرگان جهت رسیدن به اجماع توزیع گردید.

در این پژوهش، اساتید و دانشجویان دکتری دانشگاه تهران در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به عنوان خبرگان تحقیق انتخاب شدند. در انتخاب این جامعه آماری، فرض بر این بود که این دسته از خبرگان در زمینه مفاهیم و متغیرهای تحقیق، انسجام ملی و مباحث اجتماعی-فرهنگی و سیاسی-امنیتی، تخصص دارند که این امر منجر به افزایش دقت و اعتبار یافته‌های تحقیق می‌گردد. برای این منظور، در فاز اول تحقیق با ۸ تن از خبرگان مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت پذیرفت. در فاز دوم تحقیق، بر اساس کارکردهای شناسایی شده در فاز اول، پرسشنامه‌ای تنظیم شد و بین ۴۵ نفر از اساتید و دانشجویان دکتری دانشگاه تهران توزیع گردید. به منظور تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از آزمون K-S، آزمون میانگین تک جامعه‌ای و آزمون دو جمله‌ای با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

پرسشنامه پژوهش شامل دو بخش عمده است. بخش اول پرسش‌های مزایا و معایب رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی در تعیین محل خدمت سربازان (براساس نزدیکی به محل زندگی) را می‌سنجد و بخش دوم پرسش‌نامه مزایای رویکرد پراکندگی در

پهنه سرزمین در تعیین محل خدمت سربازان (توزیع مشمولین در تمامی نقاط کشور بدون توجه به محل زندگی آنان) را بررسی می‌کند. بخش اول پرسش‌نامه شامل ۱۲ سوال است که مزایا و معایب رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی در تعیین محل خدمت سربازان از منظر چهار عامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، دفاعی-امنیتی و سیاسی را مورد پرسش قرار می‌دهد. بخش دوم پرسش‌نامه، شامل ۲۰ سوال است، که مزایا و معایب رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین، در تعیین محل خدمت سربازان را از منظر چهار عامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، دفاعی-امنیتی و سیاسی مورد پرسش قرار می‌دهد. به‌منظور سنجش روایی پرسش‌نامه، با استفاده از روش اعتبار محتوا، پرسش‌نامه مورد تأیید چند از نفر متخصصین قرار گرفت. به وسیله آزمون آلفای کرونباخ پایایی پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفت که ضریب آلفای کرونباخ بخش اول پرسش‌نامه برابر با ۰/۷۱ و ضریب آلفای کرونباخ بخش اول پرسش‌نامه برابر با ۰/۹۲ محاسبه گردید. بنابراین، با توجه به اینکه ضریب آلفای کرونباخ هر دو بخش پرسش‌نامه بالاتر از ۰/۷ می‌باشد، لذا پرسش‌نامه از پایایی مورد قبولی برخوردار است. در جدول ۱ ترکیب پرسش‌های پرسش‌نامه ارائه شده است.

جدول ۱: ابعاد و روایی پرسش‌نامه

اقتصادی	سیاسی	دفاعی-امنیتی	اجتماعی-فرهنگی	عاملها بخش پرسش‌نامه
۳	۲	۵	۳	رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی
-	۵	۶	۸	رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین

انسجام ملی شناسایی شد و فرضیه‌هایی بر اساس نتایج مصاحبه با خبرگان تدوین شد. برای تحلیل متن مصاحبه با خبرگان از تکنیک تحلیل محتوا استفاده شد. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با خبرگان در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

بحث اصلی

یافته‌های مرحله کیفی تحقیق: در گام اول تحقیق، با استفاده از تحقیق کیفی مبتنی بر تکنیک دلفی سیاستی، کارکردهای دوره نظام وظیفه و مزایا و معایب دو رویکرد توزیع مشمولین از جنبه ارتقای

جدول ۲: نتایج تحلیل مصاحبه با خبرگان

مقوله	توضیح
اقتصادی	باعث کاهش هزینه‌های رفت و آمد مشمولین می‌گردد.
	باعث کاهش سوانح و تصادفات در مسیر رفت و آمد مشمولین می‌گردد.
	هزینه‌های نظام به دلیل عدم استقرار دائم مشمولین در پادگان‌ها کاهش می‌یابد.
دفاعی-امنیتی	به علت آشنا بودن سربازان با محیط جغرافیایی نزدیک محل زندگی خود، بهتر می‌توانند وظایف محوله را انجام دهند.
	مشمولین به دلیل حس تعلق بیشتر به منطقه جغرافیایی خویش دلسوزی بیشتری در قبال وظایف محوله دارند.
	سربازان با آب و هوای منطقه نزدیک محل زندگی خود سازگار هستند.
	تعارضات بین مشمولین به علت مشابهت قومیتی- فرهنگی کاهش می‌یابد.
اجتماعی	ممکن است مشمولین به دلیل ترجیح قومیتی و فرهنگی، در برابر اقدامات غیرقانونی افراد هم‌فرهنگ و هم‌قوم چشم‌پوشی نموده و گاهی همکاری نمایند.
	روحیه سربازان به دلیل ملاقات‌های زود به زود با خانواده‌هایشان بهتر است.
	به دلیل افزایش نظارت خانواده‌ها بر مشمولین، احتمال انحرافات اجتماعی- اخلاقی مشمولین کاهش می‌یابد.
سیاسی	مشمولین به دلیل نزدیک بودن به خانواده احساس امنیت روانی می‌کنند.
	با برقراری عدالت بین مشمولین در تضاد است، زیرا گروهی از مشمولینی ساکن در مناطق مرزی و کمتر توسعه‌یافته، بایستی در محل پرخطری و با امکانات کمتری خدمت کنند.
	ممکن است مشمولین به دلیل ترجیح قومیتی و فرهنگی، در برابر اقدامات غیرقانونی افراد هم‌فرهنگ و هم‌قوم چشم‌پوشی نموده و گاهی همکاری نمایند. (تأثیر منفی بر انسجام ملی)
	باعث افزایش پذیرش تنوع قومیتی، فرهنگی و مذهبی (کنار آمدن، ظرفیت‌های اقوام مختلف) می‌گردد.
اجتماعی - فرهنگی	باعث افزایش آشنایی مشمولین با فرهنگ سایر مناطق کشور می‌گردد.
	باعث تقریب مذاهب می‌گردد.
	باعث کاهش احساس بیگانگی نسبت به سایر مناطق کشور می‌شود.
	باعث افزایش اعتماد بین مشمولین از قومیت‌های مختلف به دلیل تعاملات نزدیک در حین خدمت می‌گردد.
	باعث افزایش تعاملات و امتزاج فرهنگی (ازدواج و...) می‌گردد.
	باعث شکل‌گیری و تقویت شبکه‌های اجتماعی (شبکه دوستان و...) در پهنه سرزمین بین فرهنگ‌ها و اقوام مختلف می‌گردد.
	باعث افزایش سرمایه اجتماعی می‌گردد.
سیاسی	باعث افزایش حس تعلق به تمامی مناطق کشور می‌شود.
	باعث افزایش تمایلات میهن دوستانه می‌شود.
	باعث تقویت هویت ملی می‌شود.
	باعث کاهش نگرش‌های منفی نسبت به تبعیض‌های توسعه‌ای و زیرساختی در مناطق مختلف کشور می‌گردد. (به دلیل آشنا شدن با واقعیات سایر مناطق)
	باعث کاهش واگرایی‌های قومیتی- فرهنگی و افزایش هم‌گرایی ملی می‌گردد.
دفاعی-امنیتی	باعث افزایش حس مسئولیت‌پذیری در قبال تمامی نقاط کشور می‌گردد.
	باعث آشنایی با قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مناطق مختلف کشور می‌گردد.
	باعث افزایش مشارکت همه قومیت‌ها و اقشار در حفظ تمامیت سرزمین می‌شود.
	با راهبردهای آمایش سرزمین، به ویژه ارتقاء آمایش دفاعی، هم راستا است.
	باعث واکنش سریع و مطلوب نیروهای وظیفه ذخیره و مردمی (بسیجی) در زمان وقوع بحران به دلیل شناخت بهتر مناطق مختلف کشور می‌گردد.
باعث شناخت تهدیدات غالب در مناطق مختلف کشور می‌گردد.	

الف) رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی:

براساس تحلیل مصاحبه با خبرگان، فرضیه‌های تحقیق

به شرح زیر تدوین شدند:

محل خدمت سربازان باعث افزایش انسجام ملی از طریق تقویت عوامل دفاعی-امنیتی می‌گردد.

- رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین در تعیین محل خدمت سربازان باعث افزایش انسجام ملی از طریق تقویت عوامل سیاسی می‌گردد.

یافته‌های مرحله کمی تحقیق

آزمون فرضیه‌های مربوط به رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی: در این بخش، مزایا و معایب رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی در تعیین محل خدمت سربازان مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور انتخاب آزمون مناسب برای آزمون فرضیه‌ها، ابتدا می‌باید از توزیع آماری متغیرهای تحقیق اطمینان حاصل شود. برای آزمون نرمال بودن توزیع نمرات عامل‌های استخراج شده از پرسش‌نامه، از آزمون کولوموگراف-اسمیرنوف KS استفاده شد.

- رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی در تعیین محل خدمت سربازان از نظر عامل اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های اقتصادی مشمولین و نظام می‌شود.

- رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی در تعیین محل خدمت سربازان از نظر عامل اجتماعی، در تقویت روحیه سربازان و کاهش بزهکاری تأثیر مثبتی دارد.

- رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی در تعیین محل خدمت سربازان از نظر عامل دفاعی-امنیتی دارای مزایایی است.

- رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی در تعیین محل خدمت سربازان تأثیر منفی بر عامل سیاسی دارد.

(ب) رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین:

- رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین در تعیین محل خدمت سربازان باعث افزایش انسجام ملی از طریق تقویت عوامل اجتماعی-فرهنگی می‌گردد.

- رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین در تعیین

جدول ۳- نتایج آزمون نرمال بودن نمرات عامل‌های تحقیق

عامل	اقتصادی	اجتماعی	امنیتی-دفاعی	سیاسی
میانگین	۴/۱۶	۳/۹۶	۳/۲۸	۱/۷۴
انحراف معیار	۰/۵۶	۰/۶۸	۰/۴۵	۰/۴۲
معنی‌داری (sig)	۰/۰۰۳	۰/۰۳۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰
توزیع آماری	غیرنرمال	غیرنرمال	غیرنرمال	غیرنرمال

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون KS، به دلیل غیر نرمال بودن توزیع این متغیرها از آزمون ناپارامتریک، آزمون دو جمله‌ای، جهت آزمون فرضیات مرتبط به این متغیرها استفاده می‌شود.

آزمون فرضیه‌های مربوط به رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین: در این بخش، مزایای رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین در تعیین محل خدمت سربازان (توزیع مشمولین در تمامی نقاط کشور بدون توجه به محل زندگی آنان) مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای آزمون نرمال بودن توزیع نمرات عامل‌های استخراج شده از پرسش‌نامه، از آزمون کولوموگراف-اسمیرنوف KS همانند بخش قبل استفاده شد.

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون KS، به دلیل غیر نرمال بودن توزیع این متغیرها از آزمون ناپارامتریک، آزمون دو جمله‌ای، جهت آزمون فرضیات مرتبط به این متغیرها استفاده می‌شود.

با توجه به این که برای آزمون فرضیه‌های این تحقیق از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است و با عنایت به این که این نرم‌افزار در نتایج آزمون دو جمله‌ای، عدد معنی‌داری (sig) آن را ارائه می‌کند؛ لذا در نتایج تحلیل‌ها هرگاه عدد معنی‌داری (sig) کمتر از ۵ درصد باشد بیانگر رد شدن فرضیه صفر و تأیید فرضیه تحقیق می‌باشد (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹).

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه‌های مرتبط با رویکرد کمترین فاصله

فرضیه	تعداد	نسبت مشاهده شده	Sig	نتیجه آزمون
فرضیه اول	کوچک‌تر از ۳	۰/۰۴	۰/۰۰۰	پذیرش فرضیه
	بزرگ‌تر از ۳	۰/۹۶		
فرضیه دوم	کوچک‌تر از ۳	۰/۰۷	۰/۰۰۰	پذیرش فرضیه
	بزرگ‌تر از ۳	۰/۹۳		
فرضیه سوم	کوچک‌تر از ۳	۰/۴۲	۰/۳۷۱	رد فرضیه
	بزرگ‌تر از ۳	۰/۵۸		
فرضیه چهارم	کوچک‌تر از ۳	۱/۰۰	۰/۰۰۰	پذیرش فرضیه
	بزرگ‌تر از ۳	۰/۰۰		

جدول ۵- نتایج آزمون نرمال بودن نمرات عامل‌های تحقیق

سیاسی	امنیتی - دفاعی	اجتماعی- فرهنگی	میانگین
۳/۹۰	۴/۱۰	۴/۰۰	
۰/۶۷	۰/۵۳	۰/۵۲	انحراف معیار
۰/۱۳۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	معنی‌داری (sig)
نرمال	غیرنرمال	غیرنرمال	توزیع آماری

آزمون میانگین تک‌نمونه‌ای، با توجه به اینکه در پرسش‌نامه این تحقیق از مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای استفاده شده است، مقدار آزمون را برابر با ۳ در نظر گرفته و آزمون می‌شود که آیا میانگین متغیر مورد نظر برابر با ۳ هست یا نه. حال اگر مقدار میانگین بیش‌تر از ۳ باشد فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از آزمون KS، دلیل غیرنرمال توزیع متغیرهای اجتماعی- فرهنگی و امنیتی- دفاعی از آزمون دوجمله‌ای جهت آزمون فرضیات مرتبط به این متغیرها استفاده می‌شود. و با توجه به نرمال بودن توزیع متغیر سیاسی از آزمون پارامتریک میانگین تک‌نمونه‌ای، جهت بررسی صحت فرضیه مرتبط به عامل سیاسی استفاده می‌نماییم. در

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم

متغیر	تعداد	نسبت مشاهده شده	sig	نتیجه آزمون
فرضیه پنجم	کوچک‌تر از ۳	۰	۰/۰۰۰	پذیرش فرضیه
	بزرگ‌تر از ۳	۴۵		
فرضیه ششم	کوچک‌تر از ۳	۰/۰۴	۰/۰۰۰	پذیرش فرضیه
	بزرگ‌تر از ۳	۰/۹۶		

مشاهده شده در گروه بزرگ‌تر از ۳ از ۰/۵ بیشتر است، بنابراین فرضیه‌های پنجم و ششم تحقیق پذیرفته می‌شوند.

با توجه به اینکه برای دو فرضیه پنجم و ششم، سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین فرض برابری نسبت با ۰/۵ رد می‌شود. به‌دلیل آنکه نسبت‌های

جدول ۷- نتایج آزمون فرضیه هفتم

فرضیه	میانگین	T	sig	حد بالا منهای ۳	حد پایین منهای ۳	نتیجه‌ی آزمون
فرضیه هفتم	۳/۹	۹/۰۰	۰/۰۰۰	۱/۱۰	۰/۷۰	پذیرش فرضیه

جدول ۸- نتایج تحقیق

تأثیر بر انسجام ملی	نتیجه‌آزمون فرضیه	فرضیه	رویکرد
بی‌تأثیر	تأیید فرضیه	در تعیین محل خدمت سربازان از نظر عامل اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های اقتصادی مشمولین و نظام می‌شود.	کمترین فاصله جغرافیایی
بی‌تأثیر	تأیید فرضیه	در تعیین محل خدمت سربازان از نظر عامل اجتماعی، در تقویت روحیه سربازان و کاهش بزهکاری تأثیر مثبتی دارد.	
تأثیر منفی	تأیید فرضیه	در تعیین محل خدمت سربازان تأثیر منفی بر عامل سیاسی دارد.	
بی‌تأثیر	رد فرضیه	در تعیین محل خدمت سربازان از نظر عامل دفاعی-امنیتی دارای مزایایی است.	پراکندگی در پهنه سرزمین
تأثیر مثبت	تأیید فرضیه	در تعیین محل خدمت سربازان باعث افزایش انسجام ملی از طریق تقویت عوامل اجتماعی- فرهنگی می‌گردد.	
تأثیر مثبت	تأیید فرضیه	در تعیین محل خدمت سربازان باعث افزایش انسجام ملی از طریق تقویت عوامل دفاعی- امنیتی می‌گردد.	
تأثیر مثبت	تأیید فرضیه	در تعیین محل خدمت سربازان باعث افزایش انسجام ملی از طریق تقویت عوامل سیاسی می‌گردد.	

و مذهبی (تقریب مذاهب)، کاهش احساس بیگانگی نسبت به سایر مناطق کشور، افزایش اعتماد بین مشمولین با پیشینه قومیتی مختلف، افزایش تعاملات و امتزاج فرهنگی، شکل‌گیری و تقویت شبکه‌های اجتماعی و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی به تقویت یک‌پارچگی و انسجام ملی کمک شایانی می‌کند. همچنین این رویکرد از منظر عوامل دفاعی-امنیتی با توجه به عوامل افزایش مشارکت همه قومیت‌ها و اقشار در حفظ تمامیت سرزمین، سازگاری با برنامه‌های آمایش سرزمین از جمله ارتقای آمایش دفاعی کشور، افزایش آشنایی مشمولین با نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مناطق مختلف کشور، افزایش حس مسئولیت‌پذیری در قبال تمامی پهنه سرزمین و در نهایت شناخت تهدیدات غالب مناطق مختلف کشور باعث تقویت یک‌پارچگی و انسجام ملی می‌گردد.

رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین از نظر عوامل سیاسی از طریق افزایش حس تعلق به تمامی مناطق کشور، افزایش تمایلات میهن‌دوستانه، تقویت هویت ملی، کاهش نگرش‌های منفی نسبت به تبعیض‌های توسعه‌ای و زیرساختی در مناطق مختلف کشور، کاهش واگرایی‌های قومیتی-فرهنگی و افزایش هم‌گرایی ملی منجر به تقویت انسجام ملی می‌گردد.

با توجه به اینکه سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین فرض صفر رد می‌شود، و با توجه به اینکه حد بالا و پایین هر دو مثبت می‌باشند، از این رو، میانگین متغیر سیاسی بزرگ‌تر از ۳ است، بنابراین، فرضیه هفتم پذیرفته می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی از نظر عوامل اقتصادی و اجتماعی مزایای کوتاه‌مدتی به همراه دارد. این رویکرد، از نظر عوامل اقتصادی باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های مشمولین و نظام می‌گردد. همچنین از نظر عوامل اجتماعی باعث کاهش بزهکاری‌های اجتماعی می‌شود. اما رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی از نظر عوامل سیاسی معایبی دارد، از جمله این معایب عدم برقراری عدالت بین مشمولین است و احتمال دارد، مشمولین، ترجیحات قومیتی- فرهنگی را بر امنیت ملی ترجیح دهند؛ که این مسائل در بلندمدت هزینه‌های سیاسی برای نظام دارد. همچنین این رویکرد با توجه به نظرات خبرگان، از نظر عوامل دفاعی-امنیتی مزایایی به همراه ندارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین از نظر عوامل اجتماعی- فرهنگی با توجه به عوامل تقویت پذیرش تنوع قومیتی، فرهنگی

انسجام و یکپارچگی ملی تأثیرگذار بود. از این رو، پیشنهاد می‌شود در توزیع سربازان تلفیقی از هر دو رویکرد توزیع سربازان مد نظر سیاست‌گذاران قرار گیرد، به نحوی که با توجه به شرایط مشمولین رویکرد مناسب انتخاب شود.

منابع

۱. ابوطالبی، علی، ۱۳۷۹. «دیدگاه‌هایی چند درباره یک-پارچگی و وحدت ملی»، ترجمه مجتبی مقصودی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳، تهران.
۲. برتون، ر. ۱۳۸۴. «قوم‌شناسی سیاسی»، ترجمه ناصر فکوهی، نشر نی، تهران.
۳. بیدل، پریناز، محمودزاده، علی‌اکبر، ۱۳۹۱. «بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی؛ مطالعه موردی شهر مشهد»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، تهران.
۴. پوراصغر سنگاچیان، فرزنام، صالحی، اسماعیل، دینارودی، مرتضی، ۱۳۹۱. «سنجش سطح توسعه-یافتگی، استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی، مجله علمی-پژوهشی آمایش سرزمین، دوره چهارم، شماره دوم، قم.
۵. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۹. «میزگرد وفاق اجتماعی (۲)»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳، تهران.
۶. تقوایی، مسعود، وارثی، حمیدرضا، ۱۳۹۰. «تحلیل نابرابری‌های توسعه‌ی ناحیه‌ای در ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، تهران.
۷. جهان‌بین، داریوش، ۱۳۷۸. «فرهنگ، وفاق اجتماعی و خشونت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، تهران.
۸. جوکار، محمدصادق، ۱۳۸۶. «بررسی سیاست خارجی آمریکا و گسترش تجزیه‌طلبی قومی در ایران»، www.rooznamak.bloyfa.com
۹. حاتمی‌نژاد، حسین، ابوبکری، طاهر، احمدی، افسانه، نایب‌زاده، فرشته، ۱۳۹۰. «سنجش درجه توسعه یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: شمال غرب کشور، شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان غربی)»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره ششم، مردودشت.

با توجه به نتایج تحقیق، به‌طور کلی می‌توان گفت که رویکرد کمترین فاصله در مقایسه با رویکرد پراکندگی سربازان در پهنه سرزمین، با توجه به شرایط خاص کشور ایران (وجود قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در داخل کشور، نابرابری‌های جغرافیایی-فضایی، تفاوت در میزان تهدیدات در مناطق مختلف، و...) نمی‌تواند در راستای اهداف بلندمدت نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله برقراری عدالت اجتماعی-جغرافیایی، توسعه متوازن فضایی، آمایش دفاعی سرزمین و سرانجام تقویت یکپارچگی و انسجام ملی قرار گیرد. در جدول ۸ خلاصه‌ای از نتایج تحقیق ارائه شده و دو رویکرد کمترین فاصله جغرافیایی و رویکرد پراکندگی در پهنه سرزمین از جنبه تأثیرگذاری بر انسجام ملی مقایسه شده‌اند.

پیشنهادها

نحوه توزیع سربازان با توجه به نوع سیستم حکومتی در ایران (بسیط و متمرکز) و شرایط خاص جغرافیایی ایران، بر امنیت ملی تأثیرگذار است، چرا که کشور ایران شامل سه منطقه جغرافیایی متفاوت مرکزی، میانی و حاشیه‌ای و مرزی است، و این که بخش حاشیه‌ای و مرزی کشور، جزء مناطق پرخطر و کم‌توسعه‌تر از جنبه امنیتی است. در تأیید یافته‌ها و نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق مبنی بر تأثیر مثبت رویکرد پراکندگی سربازان در پهنه سرزمین بر تقویت انسجام ملی می‌توان به حادثه دلخراش شهادت ۱۴ تن از سربازان در منطقه سروان سیستان و بلوچستان در آبان ماه سال ۱۳۹۲ اشاره کرد، که بیش از ۱۲ نفر از این شهدا از استان‌های خراسان بودند. نویسندگان مقاله ضمن محکوم کردن این عملیات تروریستی، معتقد هستند که اگر رویکرد پراکندگی سربازان در پهنه سرزمین مد نظر قرار می‌گرفت به نحوی که این شهدا متعلق به اقصی نقاط کشور می‌بودند، باعث تقویت حس شهادت‌طلبی، استکبارستیزی و میهن دوستی در بین تمامی اقوام و اقشاری مردمی می‌شد که این امر به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ارتقای

۲۳. موحد، محمدعلی، ۱۳۸۱. «در هوای حق و عدالت»، نشر کارنامه، تهران.
۲۴. مؤمنی، منصور، فعال قیومی، علی، ۱۳۸۹. «تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS»، کتاب نو، تهران.
۲۵. نوربخش، یونس، ۱۳۸۷. «فرهنگ و قومیت مدلی برای ارتباطات فرهنگی در ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال اول، شماره ۴، تهران.
۲۶. نیازی، محسن، ۱۳۹۰. «تبیین رابطه سطح تحصیلات و میزان انسجام ملی و اجتماعی شهروندان»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴، تهران.
۲۷. هرمزی‌زاده، محمدعلی، ۱۳۸۸. «عوامل مؤثر بر انسجام ملی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۲، شماره ۴۲، تهران.
28. Chamorro Antonio. Miranda F.J., Rubio S. and Valero V. 2012. "Innovations and trends in meat consumption: An application of the Delphi method in Spain", *Meat Science*, 92: 816-822
29. Chu H., and Hwang G.J. 2008. "A Delphi-based approach to developing expert systems with the cooperation of multiple experts". *Expert Systems with Applications*; 34(4): 2826-40
30. Hesse-Biber, Sharlene Nagy, 2010. *Mixed Methods Research: Merging Theory with Practice*, Guilford Press.
31. Keeney S., McKenna H. and Hasson F. 2010. "The Delphi Technique in Nursing and Health Research", John Wiley & Sons.
32. Kennedy H.P. 2004. "Enhancing Delphi research: methods and results". *J. Adv. Nurs. Mar.* 45(5):504-11.
33. Leibold, J. 2006. "Immigranten zwischen Einbürgerung und Abwanderung", in <http://webdoc.Sub.gwdg.de/diss/2007/leibold>
34. Powell C. 2003. "The Delphi technique: myths and realities". *J Adv Nurs*, Feb; 41(4): 376-82.
35. Renan, E. 1991. "Qu est-ce qu'une Nation?", Pierre Bordas et fils, Paris: Pierre Bordas et fils editeur.
36. Schulte, A. 2001. "Multikulturelle Gesellschaft: Zu Inhalt und Funktion eines vieldeutigen Begriffs", in <http://library.fes.de/fulltext/asfo/01009003.htm#E10E3>, 11.04.2008.
37. Yinger, J.M. 1985. "Assimilation in the United States: The Mexican-Americans", in
38. W. Connor, *Mexican-Americans in Comparative*, Washington DC, Urban Institute Press.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۱. «جغرافیای سیاسی ایران»، نشر سمت، تهران.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا، وردی‌زاده، رضاله، ۱۳۸۸. «رابطه سیستم سیاسی بسیط با همبستگی ملی: بررسی موردی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول، تهران.
۱۲. ربانی، علی، یزدخواستی، بهجت، حاجیانی، ابراهیم، میرزایی، حسین‌علی، ۱۳۸۸. «رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳۹، تهران.
۱۳. زیباکلام، صادق، ۱۳۷۹. «میزگرد همبستگی ملی و وفاق اجتماعی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، تهران.
۱۴. ژاکس، ولفگانگ، ۱۳۷۷. «نگاهی نو به مفاهیم توسعه»، مترجمین فریده فرهی، وحید بزرگی، نشر مرکز، تهران.
۱۵. ساروخانی، ب. ۱۳۷۰. «دایره‌المعارف علوم اجتماعی»، کیهان، تهران.
۱۶. صالحی امیری، سیدرضا، ۱۳۸۵. «مدیریت منازعات قومی در ایران»، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.
۱۷. طاهری وحدتی، حسین، ۱۳۸۶. «میانی اتحاد ملی؛ اخلاق و عدالت»، مشکوه، شماره ۹۶ و ۹۷، مشهد.
۱۸. قاسمی، علی‌اصغر، ابراهیم‌آبادی، غلامرضا، ۱۳۹۰. «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، تهران.
۱۹. گیدنز، آ. ۱۳۷۸. «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر کاشانی، نشر نی، تهران.
۲۰. محرابی، علیرضا، ۱۳۸۷. «مبانی و مولفه‌های انسجام ملی»، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهشی مطالعات بین‌الملل، تهران.
۲۱. مسعودنیا، حسین، فروغی، عاطفه، صادقی نقدعلی، زهرا، رهبرقاسی، محمدرضا، ۱۳۹۲. «جهانی شدن، اینترنت و انسجام ملی در ایران: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۴، تهران.
۲۲. مطلبی، مسعود، ۱۳۸۷. «جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر ایران، سال هفتم، شماره ۷۰، تهران.

